

ایران‌شناسی

ویژه پژوهش در تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران و زبان و ادبیات فارسی

دوره جدید

با آثاری از:

یوسف امیری

تورج دریایی

بیژن شاهمرادی

مهدی غروی (برگزیده ها)

پیروز مجتهد زاده

ماه منیر مینوی (برگزیده ها)

محمد استعلامی

شکوفه تقی

ابوالقاسم سهیلی

علی صدیف

جلال متینی

عباس میلانی

ایران‌شناسی

ویژه پژوهش در تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران
و زبان و ادبیات فارسی
دوره جدید

مدیر
جلال متینی

نقد و بررسی کتاب
زیر نظر: حشمت مؤید

بخش انگلیسی
زیر نظر: ویلیام ال. هُنوی، دانشگاه پنسیلوانیا

هیأت مشاوران
پیتر چلکوسکی، دانشگاه نیویورک
جلال خالقی مطلق، دانشگاه هامبورگ
راجر سیوری، دانشگاه تورنتو
حشمت مؤید، دانشگاه شیکاگو

مشاوران متوفی ذبیح الله صفا، استاد ممتاز دانشگاه تهران
محمد جعفر محجوب، دانشگاه تربیت معلم تهران

مقالات معرف آراء نویسندگان آنهاست.

نقل مطالب «ایران شناسی» با ذکر مأخذ مجاز است. برای تجدید چاپ تمام
یا بخشی از هر یک از مقالات موافقت کتبی مجله لازم است.

تمام نامه ها به عنوان مدیر مجله به نشانی زیر فرستاده شود:

The Editor: Iranshenasi
P.O. Box 1038
Rockville, Maryland 20849-1038, U.S.A.

تلفن: ۲۵۶۴ - ۲۷۹ (۳۰۱)

فکس: ۲۶۴۹ - ۲۷۹ (۳۰۱)

بهای اشتراک:

در ایالات متحده آمریکا، با احتساب هزینه پست:
سالانه (چهار شماره) ۷۵ دلار، برای دانشجویان ۶۵ دلار، برای مؤسسات ۲۰۰ دلار
در خارج از آمریکا، هزینه پست هوایی افزوده می شود:
کانادا ۲۴ دلار، سایر کشورها ۴۸ دلار

زنان بختیاری*

(۳)

بخش سوم: گزارش

آیین و باور رفتار زنانه در بختیاری بر پایه کدام «نمونه بنیادی» استوار است؟ به دیگر سخن، زنان بختیاری، و روی هم رفته زنان ایرانی، جانشین کدام ایزد بر زمین اند؟ در میان ایزدان آریایی، ایزدی مادینه هست که جایگاهی بس والا دارد، او ایزدبانو «آناهیتا»ست. شناسه‌هایی که به ویژه در «آبان یشت» از او یاد شده، یکسره یادآور باورهای امروز بختیارها در زمینه رفتار زنانه و درباره زنان است. چنین می‌نماید که آنچه در بینش بختیاران درباره زنان دیدیم، همه در او گردآمده، و از این رو به دید ما، وی همان «نمونه بنیادی» زنان و رفتارهای پیوسته به ایشان است. پس، چشمداشت از زنان این است که همچون او باشند، و هم، درستی و سزاواری رفتار و زندگی زنان از بودن اوست که به داد نهاده و پذیرفته شده است. پس، ساز و کار داوری، داوری درباره رفتار زنانه، و رفتار با زنان، از سنجش با هستی و رفتار او به دست می‌آید. ا زاین رو، زنان «باید» از هر باره چون او باشند تا جایگاه شایسته خود را در میان مردم بیابند. پس اگر در یک یا چند سنجه چون او نباشند، «بد شگون» خواهند بود، و هم اگر یک یا چند رفتار که پسند «ایزد بانو» و در خورد جانشینان زمینی او نباشد و درباره زنان روا شود «بد شگون» خواهد بود!

ویژگیهای ایزدبانو آرد ویشور آناهیتا arədvī-sura^۱ چنین است:

۱ - فراگیر، افزون بخش و زندگی بخش است، یعنی: همه جا گسترده، درمان بخش،

ورجاوند، جان افزا، دهنده خوراک بسیار و توشه بسیار، فزاینده دارایی و دارایی بخش است. به روشنی می توان دریافت که چرا زنان بختیاری در همه رویدادهای زندگی گروهی هستند و در کار، و چرا درمانگری و نیز فراهم کردن خوراک تنها به ایشان سپرده است. هم آشکار است که چرا دارایی خانواده باید به دست او باشد.

۲ - زناشویی و باروری ازوست، یعنی: پاک کننده تخمه مردان و زهدان زنان است و شیر دهنده به زنان زائو به هنگام بایسته.

۳ - فرمانروایی و سروری از اناهیتاست، یعنی: دهنده شهریاری و بزرگی ست و پیروزی در جنگ هم ازوست. «آتربانان» از او یاری می خواهند و هم او پروراندۀ خانه، ده، روستا و کشور است و نگهدار و نگهبان و پاسبان. «ایزدبانو اناهیتا» دیهیمی دارد آراسته به یک سد ستاره.

چنین می نماید که جانشینی پدر از آن پسری ست که مادری بزرگزاده، و تباری همسنگ شوی دارد. یعنی «ناهیدی تر» است. بُن آیین هیژم آوردن زنان در بختیاری را هم در همین جا می توان یافت، که آتربانان از اناهیتا یاری می خواهند. چون پیروزی در جنگ ازوست، زنان بختیاری در کنار نبردگاه با «کل زدن» مردان خود را پشتگرمی دهند. در خانه نیز زن است که کارها را به دست دارد. هم آن دیهیم سد ستاره ناهید را امروزه هم می توان به ریخت پولکهای سیمین و زرین گردسر و سر شانه زنان در بختیاری بازدید.

۴ - دیدار او چنین است: راست بالا، بلند بالا، برومند، بسیار برومند، درخشان، شکوهمند با زیورهای بسیار و نازنین. دختری ست زیبا با سینه های زیبا و دارای بازوان سپید و زیبا.

امروزه نیز کمتر زن بختیاری را می توان دید که خمیده شانه و کوژ کرده در رفتار باشد، که چنین بودن نزد بختیاران سخت ناپسند است. سپیدی پوست همچنان از مایه های زیبایی ست، همچنان که واژه «آلوس» (= آروس = سپید) به معنی کاربردی زیبا در گویش بختیاری به کار می رود.

کیستی و چیستی ایزدبانو اناهیتا:

باد و باران، ابر و تگرگ اسبان گردونه اویند. اوست که دارنده آبهای بسیار است، و روان کننده همه آبهای روی زمین در شبانه روز، هم اوست. اناهیتاست باز کننده راههای خشک از میان آنها. او هزار دریاچه دارد و خود به بزرگی همه آبهای روی زمین است. او ایزد بزرگ و سرور درخشنده است. این جا، «اناهیتا» ست که از بلندای هزارگامی فرو می ریزد!^۲ او «زن» است، او «آب» است. همچنان است که همتای او در اسطوره های «هندی»،

ایزدبانو «سرسوتی» sarasvati. اوست: آبی، ایزد رودخانه‌ها، بهترین مادرها، بهترین رودخانه‌ها، خداوند روزی بسیار و آب بسیار. اوست پاک کننده، روزی بخش، پاداش دهنده و افزون بخش. اوست نگهدارنده تخمه، بخش کننده دارایی و بخشنده خوشی و فرزندان آزرمگین. او با سینه خود روزی می بخشد.^۳

از این رو خردپذیر است که باور داریم همه ویژگیها و شناسه‌ها که یاد شد، با انگاره پذیرفته شده برای زنان بختیاری، و کم و بیش همه ایران، همپوشانی دارد. به دیگر سخن، هر یک از این ویژگیهایی که در اسطوره آمده، پروانه‌ای و بنیادی ست برای در پیش گرفتن راهی، با پیگیری روشی و یا برگزاری آیینی به دست زنان یا برای ایشان. از این راه است که زنان «ایزدی» انگاشته می شوند. واژگونه این پندار هم بر پایه همین بینش است؛ برای نمونه، این که زنان نازا را دوست نمی دارند، به راستی، نابرابری و ناهمپوشانی وی با نمونه بنیادی - که سرچشمه باروری و زادآوری ست - را نمی پسندند. پس به همین انگیزه، زن نازا را بد شگون و نایزدی می انگارند. همچنین است همه دیگر «باید» و «نباید» ها که یاد کردیم. همان است که «شایست، ناشایست» هم می توانش خواند.^۴

در این میان روا دانستن فرمانروایی زنان در جامعه‌ای پدر تبار و مرد سالار، سخت شگفت انگیز می نماید! با این همه دیدیم که زنان تنها در هنگامه سختیها و روی دادن دشواریها به فرمانروایی می رسند. یعنی هنگامی که کارها به هنجار خوی کرده و شناخته شده نمی گردد. در خود اسطوره، یعنی «آبان یشت» به روشنی می گوید: «یاری دهنده در دشواریها».^۵ دریافت ما از این پدیده همان است که پیشتر یاد کردیم، یعنی لایه زیرین و کهنتر در بینش بختیاریان لایه پیوسته به اسطوره ایزدبانو اناهیستاست. به دیگر سخن، گمان ما این است که پیش از چیزگی بینش مردسالارانه، باورهای مادر تبار و زن-سالارانه در میان ایشان رواج داشته بود، و بیش از این، ما را گمان بر این است که همه مردمان ایرانی چنین بودند.

جدا از نشانه‌ها و انگیزه‌هایی که پیشتر یاد کردیم، نکته‌ای چند در این جا می آوریم: ناگذرایی بینش و دیدگاه بختیاریان درباره زنان، در گذر روزگاری چنین دراز، به خودی خود نمودار تقدس این بینش است. برابر بودن یا نبودن هر زنی با انگاره زنده در ناخودآگاه گروهی را، با گفتاری یا رفتاری که یادآور داوری درباره کاری یا پدیده‌ای «قدسی» ست نشان می دهند: «شگون». برای نمونه، این که یکی از سنج‌های زیبایی، سفیدی پوست به شمار می رود، و یا دیگر شناسه‌های دیداری که یاد شد، به روشنی نشانه پیروی ناخودآگاهانه از نمونه و اسوه‌ای همیشگی، جاودانی و ازلی ست. از این رو برآمدن ناگهانی

زنی به فرمانروایی در میان مردمی و فرهنگی مرد سالار، فرامود دیگری ست از باور به نمونه ای از پیش اندیشیده، همان که آن را «نمونه بنیادی» «archetype» می خوانیم و از اسطوره برآمده است.

جای آن است که به یاد بیاوریم اسطوره پدیده ای ست کارکردی، و کاربست پایه ای آن، سامان دادن به پیوندهای میان آدمیان، میان آدمیان و پیرامون زیستی ایشان، نیز، میان آدمیان و نیروهایی ست که او را در بر گرفته و بر سرنوشت او چیره اند. اسطوره برای هر کس و هر چیز جایگاه سازی می کند. هرچیز و هر کس و هر رویدادی را در جایی که باید می نشاند. این نیست مگر آن که اسطوره سر آن دارد که همه رویدادها، از آغاز تا به انجام را می داند، و برای هر رویدادی، هر چند ناگهانی، پاسخی و راهکاری از پیش آماده دارد! زیرا بینش اسطوره ای باور دارد که همه پدیده ها و رویدادها، در جهان ایزدان و در روزگاری که آغاز و انجامی ندارد، روز ازل، پایه گذاری شده و رخ داده است، و اکنون در جهان آدمیان و بر زمین، بازسازی آیینی و همانندسازی آنچه که با آدمیان پیوند دارد، با آن پدیده های ایزدی روز ازل، تنها راه رستگاری آدمیان است. همانسازی زندگی همه روزه خاکی با پدیده های جهان برین است که به زندگی آدمیان «بُن» و پایه ای برای پذیرش می بخشد. این «بُن دهی» ست که به زندگی سخت گذرنده آدمی ارزش می بخشد. به خود او ارزش می بخشد. او را چون ایزدان می کند و بختی برای جاودانه شدنش می دهد. توان چیره شدن بر «زمان» را در دسترس او می نهد. پس همه راه و روشهای زندگی «شایسته» آدمی باید از نمونه کارهای نمونه ایزدان گرفته برداری شود.

از راه بررسی آیینهای پیوسته با زنان در بختیاری و بُن یابی اسطوره ای آنها، می توان گمان برد که در روزگاری کهن، بختیاربان، همچون کم و بیش همه مردم ایرانی، به بینش و روش مادرتبار و زنسalar باور داشته اند. با این همه، این تنها پایه بوزش (استدلال) ما نیست، که گواهیهای تاریخی بسیار نیز در دست داریم، گواه بر درستی برداشت و دریافت ما. افزون بر آن، برابر همین گواهیها چنین می نماید که اگر نه همه قبیله های آریایی، بهر کم شماری از ایشان نه به دست مردان، که به زیر فرمان زنان بودند. برخی رویدادنگاریهای روزگار تاریخی نشان از بودن پدیده ای باز هم فراتر می دهد: قبیله هایی که همه هموندان آنها یکسره زنانند، و هیچ مردی را همچون هموندی همیشگی که پروانه زندگی با ایشان و درمیان ایشان داشته باشد، در میانشان نمی یابیم.

قبیله زنان

قبیله ایرانی «سَرمَت» که در سرزمینهای میان قفقاز تا خاور رود «ولگا» می زیستند. از

نمونه مردم ایرانی ست که در روزگاری که «تاریخی» خوانده می شود، هنوز به گونه کلانهای (clan) زنانه روزگار می گذراندند. زنان جنگاوری که از راه جنگ و چپاول گذران می کردند و «آمازون (= بی پستان)» خوانده می شدند نیز گمان می رود از همین مردم بودند. روی هم، برابر برخی گواهیهای تاریخی، ایشان بخشی از گروه بزرگ قبیله های دشت - نورد ایرانی «سکا» بودند. سکاها نیز نشانه ها از برتری و فرمانروایی زنان در فرهنگ و راه و روش زندگی خود داشتند.^۶ به هر روی، افزون بر تاختنها و ماندنهای بسیار و دیرنده به بخشهای شمال باختری ایران، گروه بزرگی از سکاها در بخشهایی از خاور ایران ماندگار و یکجا نشین شدند،^۷ که هنوز هم همان نام کهن را بر سرزمین خود دارند، سیستان یا سگستان. قبیله های پارثی که دیرتر فرمانروایی سراسر ایران را به دست گرفتند هم از همین سرزمینهایند. فرمانروایی سراسری پارثها بر همه جای کشور، و از آن میان سرزمینی که امروزه بختیاری می خوانیم، برمانده (= میراث) فرهنگ ویژه زنانه را به همه کشور رساند.

ایزدبانو اناهیتا که در اسطوره «ایزد بزرگ» خوانده شده و نگهبان همه آفرینش «تن اومند» (= مادی) انگاشته شده و گشتن همه ستوران خرد و بزرگ و دوبا (آدم) از فروغ و فرّ او دانسته شده، در «آریانو وئجه» ستایش شده است. یعنی میهن پیشین همه آریاها. پس شگفت نیست که اسطوره ایزدبانوی هندی و ایزدبانوی ایرانی چنین همسانند و نیز همه تیره های ایرانی دیدگاهی همانند درباره «ایزدبانو» و جانشینان زمینی او، زنان، و باورها و آیینهای پیوسته به ایشان داشته باشند.

اناهیتا در زاگرس (بختیاری، فارس و...)

در کهنترین نشانه های فرهنگی که تا کنون در سرزمینهای بختیاری نشین یافت شده و یاد کردیم، یعنی انسان غارزی در «تنگ پبده» زنان از جایگاه برتر اجتماعی برخوردارند و پس از آن سومریان اند که یادمانهایی از ایشان در بختیاری بر جای مانده است و همچنان جهان آفریده ای ست زنانه.^۸ جامعه ای ست زنسلاز که جهان را آفریده ایزدبانو «اینانا» (= ننه) می داند. تمدن و فرهنگ جانشین سومریان، از آن «ایلامیان» است که در باز یافته های ایلامی در اُستان «آبی پیر» (بختیاری کنونی) ایزدبانو «پرتی» (parti) پرستیده می شد و جایگاه برتر اجتماعی همچنان از آن زنان بود.^۹ در فرمانروایی هخامنشیان، که گمان می رود از کشور «پارسوماش» (بختیاری کنونی) پا گرفت و نخستین کاخ - پرستشگاه ایشان در «برد نشانده» و «سر مسجد» مسجد سلیمان جای داشت^{۱۰} نیز چنین است. هر چند کم و بیش از آغاز فرمانروایی هخامنشیان نشانه ها و نمادهای بزرگداشت «اناهیتا» را می توان باز دید، برای نمونه گل نیلوفر در دستان «داریوش یکم» و «خشیارشا»، در شاهی

اردشیر دوم است که باورهای ناهیدی سخت بزرگ می شود. در فرمانروایی او نام اناهیتا به فهرست ایزدان پشتیبان شاهنشاهی پارس افزوده می گردد.^{۱۱} اردشیر همان شاهنشاهی ست که شهبانوی خود را، بر پایه همین باورها، با خود همسنگ می گیرد و به میان مردم می آورد.^{۱۲}

در فرمانروایی شاهنشاهان اشکانی، شاخه ای از شهزادگان اشکانی، شهریاران استان «الیمائی» (بختیاری کنونی) هستند.^{۱۳} پرستشگاه ایزدبانو در «شمی» (šami) نزدیک «مالمیر» (mālemêr) «ایذه» به روزگار همین شهریاران جایگاه و ارجی سخت بلند می یابد. دارایی بسیار این پرستشگاه مایه جنگی سخت میان شاه «سلوکی»، آنتیوخوس چهارم، «اپی مانس» و «مهرداد یکم» اشکانی می شود.^{۱۴} جایگاه باورهای ناهیدی در شاهنشاهی ساسانی، خود نکته ای ست آشکار که خاستگاه نیروی سیاسی ایشان پرستشگاه اناهیتا در «استخر» فارس بود.^{۱۵} نگاره برجسته اناهیتا بر سکه ها، نگاره زنانه ماه بر دیهیم شاهان، افزون بر نهاد مردانه خورشید، و مانده های این گونه نماد نگاریهای پیوسته، همه نشانه هایی روشن از نیرومندی باورهای ناهیدی ست.^{۱۶} از این رو شگفت نیست که در بینش شاهنشاهان ساسانی چنین می یابیم که: «شهریاری جز به شاپورانی نرسد که مادرشان دختر عموی شاه است».^{۱۷} یا این که «کواذ» (قباد) فرمان داد و همسرش بر گردونه شاهی بنشیند.^{۱۸} نیز، «دنیک» مادر «پیروز» شاه، چندی شاهی کرد و سکه به نام خویش زد.^{۱۹} همچنین است که در همین روزگار زنی در دیه «لار» از رؤسای «کوچاران» از زمینهای دریا بار «اردشیر خُره» شاه بود و سپاه داشت و مردم او را «می پرستیدند».^{۲۰}

به هر روی، باورهای پیوسته به زنان در سراسر تاریخ فرهنگی ایران / بختیاری بی گسستگی در کار بوده پیگیری شده است. این باورها، جایگاه ویژه زنان در بینش (اسطوره ای) ایشان را آشکار کرده، مرزبندی نموده است. این جایگاه به ویژه بر پایه زندگی بخشی و افزون بخشی زنان بنیاد شده است. برای نمونه، خونریز نبودن زنان، یا دور نگهداشتن مردان از فراهم کردن خوراک و پخت و پز را می توان از فرامودهای باور به زندگی بخشی زنان به شمار آورد. امروزه هر چند از آیینهای «آشناسازی» و «راز آشنا» (initiation) کردن^{۲۱} چیزی باز نمانده و دیده نمی شود، همین که مردان را از آشپزخانه دور نگه می دارند، به خودی خود، می تواند یادگار روزگارانی باشد که باور و آیینهای پیوسته بدان بی کم و کاست بوده در میان ایشان رواج داشت. با این همه، به دید ما، باور به زندگی بخشی زنان، و روی هم رفته جایگاه ایشان، در فرهنگ اسطوره ای - آیینی بختیاری / ایرانی به پیامد باورهای ایشان درباره مردان، استوارتر هم شده و می شود.

زنان بختیاری (۳)

۵۳۱

فراوانی باورهای توتمی جانوری مردانه در میان بختیاربان از یک سو و زندگی بخش بودن زنان از دیگر سو، همان نکته است: زیرا، بودنِ باور به توتم های جانوری مردانه، در بُنِ خود، یادآور «انسان» بودن زنان است. از این رو، زندگی بخش بودن زنان را می توان به درستی توانِ انسان آفرینی زنان انگاشت. نکته دیگری د رهمین زمینه فرهنگی کنونی بختیاری گمان ما را استوارتر می دارد و در گذر همین پژوهش از آن یاد شد. این که مردان بختیاری یکدیگر را «خُر زمال» (خاله زاده یا خواهر زاده) می نامند و برخوردی برادر وار با هم دارند نشانه ای ست از: نخست، انسان شدن، سپس برادر شدن از راه پیوند خونی با مادران (= زنان / انسانها)!

گردآوری هیزم کار زنان است، زیرا آتریانان (= آتشیانان، دینیاران) ایزدبانو اناهیتا را ستایش می کنند، همچنان که همه آبهای روان جهان از ایزدبانوست، پس تنها زنان را رواست که بر سرچشمه و رودخانه بروند و آب بردارند. اناهیتا درمان بخش است، از این رو زنان به کار پزشکی می پردازند. دارایی خانواده باید به دست زنان باشد، زیرا که اناهیتا فزاینده دارایی و دارایی بخش است. ساختن و خواندن سروده هایی آزاده وار در ستایش از زنان در بختیاری و یادکرد نیکبها و زیبایبهای ایشان از آن است که ایزدبانوی بزرگ سزاوار ستایش است. این پدیده در فرهنگ ایرانی، کم و بیش، چندان آسان نمی نماید که مردم توده، این گونه زنان را بستایند. یا، با آن که زنان خونریز نیستند، در نبردگاهها کنار مردان خود بوده با خواندن و «کل زدن» ایشان را دلگرم می کنند، زیرا اناهیتا همه جا گسترده است و دشمن بدی، در فرهنگی مردانه، زنان، هم سردار جنگی می شوند و هم، فرمانروای قوم، زیرا فرمانروایی و سروری از آن ایزدبانوست. اناهیتا دهنده خوراک بسیار و توشه بسیار است، پس مردان را روا نیست که به پخت و پز دست یازند. این که هیچ گاه، هیچ زن بختیاری را کوژ کرده نمی توان دید، از آن است که ایزد بانو راست بالا و کشیده اندام است. در جشنها و آیینهای شادبانه همگانی، زنان بختیاری سربندی پولک دوزی شده و درخشان، همچون دیهیمی به سر دارند، زیرا ایزدبانو در «آبان یشت» چنین یاد شده است!

اتریش

* بخش اول این مقاله، در شماره ۱، سال ۲۳ (بهار ۱۳۹۰) و بخش دوم آن در شماره ۳، سال ۲۳ (پائیز ۱۳۹۰) چاپ

شده است.

یادآوریها و گواهیها:

۱ - «آرد وی»، به معنی افزونی و باروری، «سور» به معنی نیرومند و «آناهیتا» به معنی پاکیزه است. نک. به: بهار،

مهرداد: پژوهشی در اساطیر ایران، تهران، ۱۳۷۵، ص ۱-۸۰.

۲- پشت ها، ابراهیم پور داود (چاپ ۲)، تهران، ۱۳۴۷ (جلد ۲)، ج ۱) آبان پشت: کرده ۱ فقره های ۱ تا ۷، ک ۲ ف ۱۱، ک ۳ ف ۱۳، ک ۴ ف ۱۵، ک ۵ ف ۱۷ و ۱۸، ک ۶ ف ۲۱ و ۲۲، ک ۷ ف ۲۶، ک ۸ ف ۲۷ و ۲۸، ک ۹ ف ۳۱ و ۳۲، ک ۱۰ ف ۳۳ و ۳۴، ک ۱۱ ف ۳۵ و ۳۶، ک ۱۲ ف ۳۷ و ۳۸، ک ۱۳ ف ۳۹ و ۴۰، ک ۱۴ ف ۴۱ و ۴۲، ک ۱۵ ف ۴۳ و ۴۴، ک ۱۶ ف ۴۵ و ۴۶، ک ۱۷ ف ۴۷ و ۴۸، ک ۱۸ ف ۴۹ و ۵۰، ک ۱۹ ف ۵۱ و ۵۲، ک ۲۰ ف ۵۳ و ۵۴، ک ۲۱ ف ۵۵ و ۵۶، ک ۲۲ ف ۵۷ و ۵۸، ک ۲۳ ف ۵۹ و ۶۰، ک ۲۴ ف ۶۱ و ۶۲، ک ۲۵ ف ۶۳ و ۶۴، ک ۲۶ ف ۶۵ و ۶۶، ک ۲۷ ف ۶۷ و ۶۸، ک ۲۸ ف ۶۹ و ۷۰، ک ۲۹ ف ۷۱ و ۷۲، ک ۳۰ ف ۷۳ و ۷۴، ک ۳۱ ف ۷۵ و ۷۶، ک ۳۲ ف ۷۷ و ۷۸، ک ۳۳ ف ۷۹ و ۸۰، ک ۳۴ ف ۸۱ و ۸۲، ک ۳۵ ف ۸۳ و ۸۴، ک ۳۶ ف ۸۵ و ۸۶، ک ۳۷ ف ۸۷ و ۸۸، ک ۳۸ ف ۸۹ و ۹۰، ک ۳۹ ف ۹۱ و ۹۲، ک ۴۰ ف ۹۳ و ۹۴، ک ۴۱ ف ۹۵ و ۹۶، ک ۴۲ ف ۹۷ و ۹۸، ک ۴۳ ف ۹۹ و ۱۰۰، ک ۴۴ ف ۱۰۱ و ۱۰۲، ک ۴۵ ف ۱۰۳ و ۱۰۴، ک ۴۶ ف ۱۰۵ و ۱۰۶، ک ۴۷ ف ۱۰۷ و ۱۰۸، ک ۴۸ ف ۱۰۹ و ۱۱۰، ک ۴۹ ف ۱۱۱ و ۱۱۲، ک ۵۰ ف ۱۱۳ و ۱۱۴، ک ۵۱ ف ۱۱۵ و ۱۱۶، ک ۵۲ ف ۱۱۷ و ۱۱۸، ک ۵۳ ف ۱۱۹ و ۱۲۰، ک ۵۴ ف ۱۲۱ و ۱۲۲، ک ۵۵ ف ۱۲۳ و ۱۲۴، ک ۵۶ ف ۱۲۵ و ۱۲۶، ک ۵۷ ف ۱۲۷ و ۱۲۸، ک ۵۸ ف ۱۲۹ و ۱۳۰، ک ۵۹ ف ۱۳۱ و ۱۳۲.

۳- ریگ ود، برگردان محمد رضا جلالی نایینی، تهران، ۱۳۴۸، ص ص ۷۴، ۸۶، ۹۳، ۱۵۱، ۲۵۵، ۳۸۸: ف ۱۶ (ماندالای دوم سرود ۴۱) و ف ۱۸، ف ۱۰ (ماندالای یکم سرود ۳)، ف (ماندالای یکم سرود ۸۹)، ف ۲ (ماندالای ۱۰ سرود ۱۸۴)، ف ۴۹ (ماندالای یکم سرود ۱۶۴) ف (ماندالای ۳ سرود ۵۴).

۴- شایست، ناشایست، همچنین نام دستورنامه ای دینی ست از روزگار ساسانیان!

۵- نک به ۲ بالا، و روی هم رفته «ناهید» فریادرس هنگام دشواریها و تنگناهاست.

۶- هرودوت: توریخ، برگردان ع. وحید مازندرانی، تهران ۱۳۵۶، ص ص ۸-۲۷۶.

۷- کریستن سن، آرتور: ایران در زمان ساسانیان، برگردان رشید یاسمی، تهران (چاپ ۴)، ۱۳۵۱، ص ۴۲.

۸- بهار، مهرداد: پژوهشی در اساطیر ایران، همان، ص ۴۰۳.

۹- همان.

۱۰- هنر و مردم، نشریه وزارت فرهنگ و هنر، شماره ۱۲۱، آبان ۱۳۵۱، ص ص ۴۳-۴۸، «صفه مقدس» در مسجد سلیمان، رمان گیرشمن، برگردان مسعود رجب نیا.

۱۱- ادی، ساموئل. ک: آیین شهریاری در شرق، برگردان فریدون بدره ای، تهران، ۱۳۴۰، ص ص ۸۱ و ۲۳۲.

۱۲- همان، ص ۹۴.

۱۳ و ۱۴- گیرشمن، رمان: ایران از آغاز تا اسلام، برگردان محمد معین، (چاپ ۴) تهران، ۲۵۳۵، ص ص ۹-۳۷۸.

- ادی، ساموئل. ک: آیین شهریاری در شرق، ص ۱۴۹.

- گوتشمید، آلفرد، فن: تاریخ ایران و ممالک همجوار، برگردان کیکاوس جهاناداری، (چاپ ۲)، تهران، ۲۵۳۶، ص ص

۱- ۸ و ۸-۹۶.

- گیرشمن، رمان: ایران از آغاز تا اسلام، ص ص ۳۲۰ و ۱-۳۳۰.

- ایلراه گرمسیر به سردسیر، از مسجد سلیمان به چغاخور که از ایذه، دینه راک، سرپل شالو، دهنند، برید بلند، پل مروارید، هلیساد، دوپولون، و آردل می گذرد را «دز پارت» می خوانند. در گویش بختیاری دز به معنی بلند و جای بلند است. با این همه پیوند میان بخش دوم نام ایلراه، یعنی پارت را با نام طایفه پارت (اشکانی) را نمی دانیم.

به هر روی یادگار باورهای ناهیدی کهن در بختیاری را تا روزگار هخامنشیان می توان باز پی گرفت. برای نمونه، اردشیر دوم هخامنشی که رفتار بر پایه باورهای ناهیدی پیشه کرد، برای نخستین بار در آیین دربار هخامنشی روا داشت که مادرش و شهبانویس با او همخوراک شوند. این آیین تا چند دهه پیش در میان خانهای بختیاری همچنان برجا بود: خان را هنگام خوراک خوردن تنها مادرش و نخستین همسرش می توانستند ببینند و با وی همخوراک شوند.

۱۵ و ۱۶- ادی، ساموئل. ک: آیین شهریاری در شرق، ص ص ۸۱ و ۲۳۲.

۱۷- عهد/ردشیر، احسان عباس، برگردان محمد علی امام شوشتری، تهران، ۱۳۴۸، ص ۹۸.

- ادی، ساموئل. ک: آیین شهریاری در شرق، ص ۹۲، برای ایرانیان فرزند یک ایرانی و یک بیگانه به خودی خود

ناپاکزاده (= حرامزاده) بود.

- نولدکه، تئودور: *تاریخ ایرانیان و عربها*، برگردان عباس زریاب خوبی، تهران، ۱۳۵۸، صص ۷-۷۶.

- کزنفون: *کورثس نامه*، برگردان رضا مشایخی، تهران، ۱۳۵۰، ص ۳۱۶.

۱۸ - نولدکه، تئودور: *تاریخ ایرانیان و عربها*، ص ۲۱۳.

۱۹ - همان، ص ۲۰۰.

۲۰ - همان، ص ۴۸.

۲۱ - در سراسر زمان پژوهش از آیینهای «راز آموزی» و «آشنا سازی» رایج در فرهنگهای استوره ای نمونه ای دیده نشد.

با این همه همچنان مادر، یا زنی در جای و جایگاه او دختران را با کارهای «زنانه» آشنا می سازد.

یادآوریه‌ها:

۱ - بُنمایه (motif) تاختن شیر به گاو که به شمار بسیار بر دیواره های پارسه / تخت جمشید سنگ نگاری شده را می توان ستیزه باورهای مرد سالار (نماد آن شیر) و زنسالار (نماد آن گاو) نمادخوانی کرد.

۲ - فرمانروایی شهریاران اشکانی در الیمایی / بختیاری، به ویژه به گسترش باورها، استوره های مادر تبار نیروی بسیار رساند. از آنها استوره رستم، که یک یک بخشهای آن برآمده از باورهای پیوسته به زنان و آبهاست، نام قهرمان پهلوان، رستم، خود، آب است، که از آن یاد کردیم. نک به: *ایران شناسی*، سال بیست و یکم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۸، «۲۸ آوریل ۲۲۴ میلادی»، بیژن شاهرادی، ص ۳۲۳.

۳ - واپسین بانوی فرمانده جنگی نامدار بختیاری «بی بی مریم» دختر حسینقلی خان ایلخانی و همسر و جانشین زرغام السلطنه بختیاری که افزون بر دانش دوستی، سوارکار و تیراندازی چابک و چیره بود. از این رو «سردار» بی بی مریم خوانده شد و پیش از نیروهای مشروطه خواه بختیاری با سپاه زیر فرمان خویش به درون پایتخت رخنه کرده و با نیروی قزاق محمد علی شاه قاجار از درون تهران به جنگ آغازید. پس از آن در نخستین جنگ جهانی به نبرد با نیروهای بریتانیا و پس از آن روسیه تزاری پرداخت. بی بی مریم تنها زنی ست که نشان صلیب آهنین، بالاترین نشان ارتشی آلمان را دریافت کرده است (زندگی ۱۲۵۳-۱۳۱۶).

سوارکاری زنان در فرهنگ سراسری ایران پسندیده و پذیرفته نبود، با این همه لایه استوره ای کهنتر چنین پروانه ای می دهد، نک به: آبان پشت، کرده ۲ فقره ۱۱ و کرده ۳ فقره ۱۳.

۴ - آیین دزدیدن عروس، در بختیاری «آروس» (= سپید، زیبا) یا «پهپگ» (برگرفته از نام ایزد پاسدار زناشویی پهگو) در بسا فرهنگهای دیگر هم همانند دارد برای نمونه در بخشهایی از کشور اتریش، به ویژه Nieder Österreich دوستان داماد، زن و مرد، عروس را با خود به رستورانی برده به شادخواری و شادنوشی می پردازند تا داماد بیاید و هزینه خور و نوش را بپردازد و عروس را «آزاد» کند. این آیین را «عروس - دزدی» می خوانند: Braut stehlen.

برگزیده ها

ماه منیر مینوی

یادنامه ای از مجتبی مینوی

نکته هایی ننوشته از زندگی او*

مجتبی مینوی در نوزدهم بهمن ماه ۱۲۸۲ شمسی، در خانواده ای پشت در پشت روحانی و از پدر و مادری جوان که دختر عمو و پسر عمو بودند، و در این زمان عاشقانه به هم مهر می ورزیدند متولد شد. هنگامی که مجتبی نزدیک به سه سال داشت برادر دیگری احمد تازه به دنیا آمده بود، پدر طبق سنت خانوادگی، تصمیم گرفت برای تحصیل علوم دینی در محضر شیخ محمد تقی شیرازی، مرجع تقلید بزرگ آن زمان عازم عراق عرب شود. مادر که تازه از بیماری حصبه نجات یافته بود ناچار در تهران ماند تا دوران نقاهت را بگذراند و سه ماه بعد از پدر، همراه دو کودک خردسالش عازم عراق شد.

سفر با کاروان و کجاوه دو ماهی به طول انجامید و اقامت خانواده در سامره و نجف نزدیک به پنج سال ادامه یافت.

مجتبی که از هوشی سرشار برخوردار بود، در چهارسالگی به اصرار خودش به مکتب رفت و به زودی از همه همدرسان بزرگتر از خود پیشی گرفت. هنوز سال به پایان نرسیده بود که قرآن را ختم کرد و سال بعد به مدرسه رفت هنگامی که همراه پدر و مادر و دو برادر کوچکترش احمد و کاظم (که در سامره متولد شده بود) به ایران بازگشت، با این که هنوز

Iranshenasi

A JOURNAL
OF IRANIAN STUDIES

New Series

Editor:

Jalal Matini

Associate Editor:

(In charge of English Section)

William L. Hanaway

University of Pennsylvania

Book Review Editor:

Heshmat Moayyad

Advisory Board:

Peter J. Chelkowski,

New York University

Djala Khaleghi Motlagh

Hamburg University

Heshmat Moayyad,

University of Chicago

Roger M. Savory,

University of Toronto

Former (deceased) Advisors:

Mohammad Djafar Mahdjoub

Zabihollah Safa

The Views expressed in the articles are those of the authors
and do not necessarily reflect the views of the Journal.

All contributions and correspondence should be addressed to:

The Editor: Iranshenasi

P.O. Box 1038

Rockville, Maryland 20849-1038, U.S.A.

Telephone: (301) 279-2564

Fax: (301) 279-2649

Requests for permission to reprint more than short
quotations should be addressed to the Editor.

Annual subscription rates (4 issues) are \$ 75.00 for individuals, \$ 65.00 for students,
and \$ 200 for institutions.

The price includes postage in the U.S.

For foreign mailing (Air Mail), add \$ 24 for Canada, \$ 48 for other countries

Iranshenasi

A JOURNAL OF IRANIAN STUDIES

New Series

Abstracts of Persian Articles by:

Yusef Amiri
Jalal Matini
Ali Sodeif
A. Soheili
Shokoofeh Taghi